فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره چهل ودوم، بهار ۱۴۰۲- صفحات ۷۰-۵۳

تحلیلی بر چالش‌های عملیاتی اقتصاد اسلامی در ایران

نوع مقاله: پژوهشی

امیرحسین مزینی[۱]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸

چکیده

بیش از چهار دهه از اقدام جهت عملیاتی‌سازی اقتصاد اسلامی در کشور می‌گذرد. طی این مدت فرایند عملیاتی‌سازی اقتصاد اسلامی تحولات فراوانی را به خود دیده است. از شکل‌گیری انتظارات بسیار آرمانی در سال‌های اولیه مبنی قابلیت‌های اقتصاد اسلامی در زمینه پاسخگویی به تمام نیازهای بشری در حیات مادی تا چالش‌های اجرایی و فاصله افتادن میان انتظارات اولیه با عملکرد موجود در اقتصاد کشور. جهت آسیب‌شناسی عملکرد اقتصاد اسلامی در کشور، بررسی موضوع از دو منظر طرف عرضه و طرف تقاضا در دستور کار قرار گرفت. نتایج حکایت از آن دارند که میان آنچه هم اینک بعنوان تجربه موجود از عملیاتی‌سازی اقتصاد اسلامی وجود دارد با آنچه در ابتدای انقلاب از مقوله اقتصاد اسلامی انتظار می رفت، فاصله زیادی وجود دارد. ضمن اینکه بنظر می‌رسد در طرف عرضه اقتصاد اسلامی، چه از نظر مبانی علمی و فکری و چه از نظر تدارک بسترهای نرم افزاری، در مقایسه با طرف تقاضای اقتصاد اسلامی به نسبت عملکرد مناسب‌تری مشاهده می‌شود. در پایان جهت بازتعریف فرایند عملیاتی‌سازی اقتصاد اسلامی در کشور توجه به برخی واقعیت‌ها توصیه شده است. اینکه اجزا تشکیل‌دهنده اقتصاد اسلامی از نظر عملیاتی یکسان نیستند، جامعه موجودیتی است که در بستر زمان تغییر می‌نماید، حکومت اسلامی نیز می‌بایست به سیاست‌گذاری متناسب با عملیاتی سازی اقتصاد اسلامی خود را ملتزم بداند و ... .

واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی، عملیاتی‌سازی، آسیب‌شناسی، طرف عرضه و تقاضا، ایران.
JEL Classification: N35, Z12, D02, H11

۱ عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس mozayani@modares.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

مقدمه

سابقه شکل‌گیری مباحث اقتصاد اسلامی به صدر اسلام و تشکیل حکومت اسلامی برمی‌گردد. زمانی که با ظهور آیین اسلام و گسترش مفاهیم آن، پیامبر اسلام (ص) تلاش نمودند جامعه‌ای مبتنی بر تعالیم وحیانی را بنا نمایند (عرب مازار، ۱۳۸۵). از آن پس می‌توان مباحث اقتصاد اسلامی را در بسیاری از متون اسلامی (اعم از فقهی، روایی، تاریخی، اجتماعی و ...) و غیر اسلامی مشاهده نمود که با رویکردهای تبیینی- توصیفی و یا نقدی - انتقادی به مبانی اقتصادی اسلام پرداخته‌اند. از بعد کاربردی و عملیاتی نیز از آنجا که در بلاد اسلامی در بسیاری از امور جاری اقتصادی همچون کسب و کار، تجارت، وقف، انواع خراج‌ها و ... رویه‌های اسلامی برقرار بوده است می‌توان مستندات تاریخی زیادی را مشاهده نمود. ضمن اینکه بعضاً با ظهور و شکل‌گیری جنبش‌های آزادی بخش یا اسلامی در کشورهای در حال توسعه و اسلامی مطالبات در حوزه اقتصاد اسلامی دچار افت و خیزهای نیز شده است[۱] که بنظر می‌رسد طرح و مطالبه جدی مباحث اقتصاد اسلامی در ایران پس از انقلاب اسلامی را نیز می‌توان مصداقی از این مطالبات دانست. در این راستا می‌توان یکی از موثرترین اقدامات صورت گرفته در زمینه تبیین ابعاد اقتصادی اسلام با رویکردی علمی و نظری را انتشار کتاب "اقتصاد ما" توسط محمد باقر صدر در سال ۱۳۸۱ قمری (اوایل دهه ۱۳۴۰ شمسی) دانست که با رویکردی که تا آن زمان مسبوق به سابقه نبوده است، ضمن نقد رویکردهای اقتصادی غالب در آن زمان به ارایه تصویری از مکتب اقتصادی اسلام و تأکید بر مقولاتی چون تولید، توزیع، نقش و جایگاه دولت و ... پرداخته است. قوت و استحکام این کتاب بگونه ای است که کماکان نیز الهام بخش بسیاری از محققین و پژوهشگران معاصر در حوزه اقتصاد اسلامی است.

از منظر عملیاتی‌سازی اقتصاد اسلامی، همانگونه که پیش از این اشاره شد، با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و شکل‌گیری بسترها و تحولات فکری و اعتقادی مترتب بر آن و همزمان شکل‌گیری انتظارات جدید از حکومت اسلامی همچون برقراری: عدالت، شفافیت، صداقت، بستری جهت ایثار و انفاق، جامعه‌ای به دور از فقر و تبعیض و ... ، مقوله اقتصاد اسلامی و باور به قابلیت‌های آن در ساماندهی به اقتصاد کشور در کانون توجهات قرار گرفت و به آرمانی دست‌یافتنی در ذهن مردم و مسئولین تبدیل شد. این باور با حضور روحانیت در مصدر امور و اطمینان از اینکه از آن به بعد کلیه سیاست‌ها و اقدامات مبتنی بر تعالیم اسلام و الزامات مترتب بر آنها خواهد بود هرچه بیشتر در اذهان افراد نهادینه گردید. مصادیق این موضوع را می‌توان در بسیاری از متون تدوین شده در آن زمان و نیز گفتگوهای موجود در مطبوعات، رسانه‌ها و جامعه مدنی آن زمان

---

۱ به نقل از مسعود درخشان از: مصباحی مقدم و همکاران (۱۳۷۹).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

مشاهده نمود. ضمن اینکه بنظر می‌رسد شکل گیری این باورهای مشترک و اعتقاد و پایبندی اکثریت مردم به آنها، نقش بسزایی در تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه آن زمان ایران نیز داشته است. لازم بذکر است که در آن مقطع زمانی طیف وسیعی از اقدامات نیز در کشور در دستور کار قرار گرفت. به عنوان مثال تغییرات جدی در مالکیت دارایی‌ها و نهادهای اقتصادی از خصوصی به دولتی (تحت عناوینی چون مصادره و یا ملی‌سازی) صورت گرفت و اشکال جدیدی از مالکیت نهادهای اقتصادی تعریف و شکل گرفتند که کماکان نیز به فعالیت خود ادامه می‌دهند، برخی ضوابط و قوانین جدید (همچون قانون بانکداری بدون ربا) در این حوزه تدوین گردید، نهادهای اقتصادی موجود و یا جدید با محوریت اقتصاد اسلامی باز تعریف و ایجاد شدند، نهادهای علمی و دانشگاهی جدید تاسیس و بسیاری واحدهای علمی موجود با تاکید بر موضوعات اقتصاد اسلامی در برنامه‌های خود بازبینی‌هایی انجام دادند و ... .

اقدامات متعدد صورت گرفته در کنار جریان فزاینده انتظارات هر چه بیشتر جامعه را نسبت به آینده خوش‌بین و امیدوار نمود. اما به مرور زمان آنچه که در واقعیت اتفاق می‌افتاد با آنچه که در ابتدا انتظار می‌رفت بصورت متفاوتی ظاهر شدند و این موضوع تاکنون که بیش از چهار دهه از آن دوران می‌گذرد کماکان برقرار می‌باشد. بدیهی است وقوع پدیده‌هایی چون جنگ هشت ساله، بعنوان متغیری برونزا که به کشور تحمیل گردید، می تواند بعنوان مانعی جدی در عملیاتی‌سازی بخشی از مولفه‌های اقتصاد اسلامی طی دهه ۱۳۶۰ (در حوزه‌های تولید، عدالت، رفاه و ...) به حساب آید و هرچند که بنظر می‌رسد از آن پس و با آغاز برنامه‌های توسعه اقتصادی در کشور مجال کافی جهت تبلور حداقل بخشی از آنچه تحت عنوان اقتصاد اسلامی انتظار می‌رود نیز وجود داشته است. ضمن اینکه این واقعیت نیز وجود دارد که اساساً انتظارات اولیه نیز چندان واقع بینانه نبوده و این موضوع پیچیدگی بحث را در ایران پس از انقلاب دو چندان نموده است. در مقاله حاضر در نظر است آسیب‌شناسی عملیاتی‌سازی اقتصاد اسلامی در ایران در دستور کار قرار گیرد. بدین منظور ضمن مروری بر مفهوم، ماهیت و چیستی اقتصاد اسلامی، وضعیت عرضه و تقاضای اقتصاد اسلامی در ایران مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت شرایط موجود در کشور مورد آسیب‌شناسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

تأملی در ماهیت اقتصاد اسلامی

مروری بر متون انتشار یافته و برداشت‌های صورت گرفته از اقتصاد اسلامی حکایت از آن دارد که اسلام به دنبال ارائه علم اقتصاد به مفهوم اثباتی آن نبوده است. بلکه عمدتاً تأکید بر ارایه نوعی مکتب اقتصادی دارد که براساس آن ساختارهای اقتصادی جامعه تعریف شده و در چارچوب آنها

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

رفتارهای افراد (حقیقی و حقوقی) در جامعه شکل گیرند. بدیهی است که تعیین خطی مشی‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی نیز بخشی از همین مکتب اقتصادی را شکل می‌دهند. لازم بذکر است هنگامی که از مکتب اقتصادی صحبت می‌شود (عمدتاً) منظور سلسله مباحثی است که در علم اقتصاد از آنها تحت عنوان اقتصاد هنجاری یاد می‌شود. در اقتصاد هنجاری علاوه بر ارزش‌ها و قضاوت‌ها، توصیه‌هایی برای ایجاد ساختارهای اقتصادی مناسب و همچنین سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی ارائه می‌شود (جدول ۱). در این رابطه می توان به موضوعاتی چون: ساختار حقوق مالکیت، میزان مداخله دولت در اقتصاد و ارزش‌های اخلاقی اقتصادی، مقوله عدالت اقتصادی و ... اشاره نمود.

جدول ۱. نمونه ای از تفات‌های اساسی مباحث قابل طرح در اقتصاد اثباتی و هنجاری

اقتصاد اثباتی	اقتصاد هنجاری
توصیف	تجویز
توضیح	توصیه
نظریه	خط‌مشی
اندیشه	عمل

منبع: مزیّنی (۱۳۹۴)

جهت تبیین بهتر موضوع، مشاهده می‌گردد هرچه اقتصادها از یک نظام برنامه‌ریزی‌شده (متمرکز) به طرف یک اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد حرکت می‌کنند تحلیل‌های اقتصادی از حالت دستوری به هنجاری تغییر می‌کنند و به همین دلیل است که به عقیده برخی صاحب‌نظران در اقتصاد اسلامی نمی‌توان آنگونه که مرسوم است بین اقتصاد دستوری و هنجاری تفکیک قایل شد و باید اقتصاد را در کلّ به صورت دانش اجتماعی یکپارچه که متأثر از ارزش‌ها نیز هست مورد مطالعه قرار داد (بختیاری، ۱۳۷۹) و (عرب مازار، ۱۳۸۵). لذا بنظر می‌رسد آنچه که از مکتب اقتصادی مد نظر می‌باشد مجموع گزاره‌هایی است که رویکرد و چارچوب مطالعات علمی در حوزه اقتصاد راجهت‌دهی می‌نمایند. در این شرایط، ابتدا به ساکن، صحبت از وجود پدیده‌ای با عنوان علم اقتصاد نیز چندان واقع‌بینانه نمی‌باشد. این برداشت از محتوای کتاب "اقتصاد ما" نیز قابل برداشت می‌باشد. بدین صورت که اسلام ذاتاً مدعی ارائه علم اقتصاد نیست. اما حاوی مکتب اقتصادی است. هرچند که بنظر می‌رسد مؤلف کتاب امکان دستیابی به علم اقتصاد اسلامی را نیز منتفی نمی‌دانند (توکلی، ۱۳۹۹).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

با عنایت به توضیحات فوق مبنی بر وجود مکتب اقتصادی اسلام و تمایز آن با آنچه علم دانسته می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که اصولاً هنجارهای هر مکتبی ریشه در باورهای ایدئولوژیک و اصول اخلاقی آن مکتب دارد و الزاماً قابل رد یا اثبات نیستند. اما می‌توان آنها را آسیب‌شناسی نموده و نقاط ضعف و قوت آنها را مطرح نمود. بدیهی است که هنجارهای هر مکتب توسط صاحب‌نظران و تئوری‌پردازان آن مکتب در حوزه‌های اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، مدیریتی، جامعه‌شناسی و ... تعیین می‌شوند که در حوزه مکتب اقتصادی اسلام بخش مهمی از این وظیفه بر عهده متخصصین علوم دینی و حوزه اخلاق است. از سوی دیگر در زمینه انطباق هنجارها با تئوری‌ها و عملیاتی‌سازی آنها در جامعه انتظار از اقتصاددانان می‌رود که به این عرصه ورود نمایند (توتونچیان، ۱۳۹۹). مثلاً در مورد ادله حرمت احتکار، صفت و شروط احتکار حرام و نوع مجازات محتکر توسط حکومت در کتاب‌های فقهی و حقوقی بحث می‌شود. اما عوامل مؤثر در ایجاد احتکار، اثر احتکار بر توزیع درآمد، تحلیل تفاوت قیمت و مقدار محصول در بازار انحصاری و بازار رقابتی و مانند اینها موضوع متون اقتصادی است (انس الزرقا، ۱۳۸۳). ضمن اینکه در این راستا ارزیابی هنجارها و اساساً امکان‌پذیری تئوریزه کردن و عملیاتی نمودن آنها نیز تنها از عهده اقتصاددانان برمی‌آید. بعنوان مصداق دیگر می‌توان به فعالیت‌های حوزه اقتصاد پنهان و بصورت خاص مجموعه فعالیت‌های موسوم به قاچاق کالا اشاره نمود که در چارچوب مباحث نظری اقتصادی قابل تحلیل، ارزیابی و برآورد می‌باشند. اما از نظر مباحث ارزشی، اخلاقی و جرم انگاری و متعاقباً امکان و ضرورت پیگیری و مقابله حکومت اسلامی با آن، موضوع در چارچوب مباحث فقهی و حقوقی قابل بحث می‌باشد. بگونه‌ای که این پدیده با توجه به شیوع نسبی آن در اقتصاد کشور و بویژه در مناطق مرزی و وجود برداشت‌های مختلف فقهی از آن، چالش‌هایی را در سیاست‌گذاری و مقابله با آن در ایران به همراه داشته و دارد.

با عنایت به توضیحات فوق هنگامی که از مکتب اقتصاد اسلامی صحبت می‌شود مجموعه‌ای از گزاره‌های ارزشی (شرعی) در حوزه اقتصاد مدنظر می‌باشد که مبتنی بر احکام شریعت بوده و معمولا با احکام پنج‌گانه واجب، مستحب، مباح، مکروه و حرام تبیین می‌شوند و انتظار می‌رود که بتوانند در مبانی نظری اقتصادی تحلیل شده و موضوع سیاست‌گذاری قرار گیرند. در این شرایط در تعامل میان مکتب و علم از آنجا که رویکردها (و احتمالاً قرائت‌های مختلف مکتبی) موضوعیت می‌یابند مقولات واقعیت و حقیقت نیز مطرح می‌گردند. یعنی در حالی که حقیقت و آنچه همگان به نوعی بر آن اجماع دارند بصورت یک موجودیت یکتا و منحصر بفرد در اذهان می‌باشد. اما واقعیت‌های متعددی می‌توانند از آن موجودیت نمود یابند که ماهیتی قابل مشاهده، متکثر و متغیر دارند. ضمن اینکه در بسیاری از موارد افراد دخیل در این حوزه مدعی هستند که واقعیت

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

پیشنهادی و ارایه شده توسط آنها انطباق بیشتری با باور آنها نسبت به حقیقت دارد و چه بسا در حوزه اقتصاد توسل به علوم پیرامونی همچون ریاضیات و یا الگو گرفتن از برخی علوم همچون فیزیک اقدامی در این راستا جهت دستیابی به قوانین جهان شمول برای حصول به واقعیت‌هایی است که انتظار می‌رود حداکثر انطباق را با حقیقت داشته باشند. هرچند که در این خصوص از آن جهت که رفتار انسان تحت تاثیر ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قرار دارد تشکیکات جدی وارد شده است. بنظر می‌رسد بحث فوق (میزان انطباق واقعیت بیرونی با حقیقت) در حوزه اقتصاد اسلامی پیچیدگی به مراتب بیشتری دارد. چرا که حقیقت مد نظر در حوزه اقتصاد اسلامی فراتر از آرمان‌های اقتصادی بوده و الزامات اخلاقی، شرعی و رفتاری را نیز شامل می‌شوند و این موضوع تعامل میان واقعیت و حقیقت را در اقتصاد اسلامی پیچیده‌تر می‌نماید.

لازم بذکر است این بحث بگونه‌ای دیگر در اقتصاد سرمایه‌داری نیز مشاهده می‌شود. بنظر می‌رسد شکل‌گیری و تحولات ایجاد شده در مکاتب اقتصاد کلان حداقل از دهه ۱۹۳۰ به بعد را می‌توان مصداقی از این موضوع دانست. بگونه‌ای که تنوع تفکرات و سیاست‌های اتخاذ شده در اقتصاد سرمایه‌داری که منجر به واقعیت‌های حاکم در اقتصاد جهانی شده‌اند مصادیقی هستند که از عدم انطباق سیاست‌های اثباتی اتخاذ شده در اقتصاد کلاسیک با انتظارات و حقیقت‌های مد نظر در گزاره‌های هنجاری این مکتب حکایت می‌نمایند که بصورت نمونه می‌توان به فرایند حرکت از باورهای کلاسیکی به کینزی از دهه ۱۹۳۰ به بعد، بروز بسیاری از چالش‌ها در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ از جمله بروز همزمان تورم، بیکاری، کسری‌های بودجه شدید و بخش عمومی بزرگ و متعاقباً زیر سئوال رفتن الگوی کینزی، ظهور مکتب پولگرایان، ظهور کلاسیک‌ها و کینزی‌های جدید، معرفی مدل (رویکرد) ادوار تجاری حقیقی[۱] و مدل‌های جدید کینزی[۲]، مطرح شدن جدی مکاتب اقتصاد نهادی، رفتاری، تطوری (تکاملی)، شناختی و ... اشاره نمود. بطور کلی ظهور و شکل‌گیری مکاتب متعدد هترودوکس در علم اقتصاد متعارف همگی حکایت از آن دارند که واقعیت‌های حاصل شده در جامعه بشری با حقیقت مورد انتظار منطبق نبوده و بشر از مجرای بازبینی (عمدتاً) در اصول اثباتی خود در بستر زمان به دنبال دستیابی به اصولی جهت تبیین بهتر و دستیابی به حقیقت بوده و می‌باشد. بدون شک بحث اقتصاد اسلامی نیز از این مقوله مستثنی نیست. بویژه آنکه هم اینک در ابتدای این راه نیز قرار دارد. ضمن اینکه آینده پیش روی و وضعیت به شدت در حال تغییر جهان مثلاً در حوزه‌های فناورانه و در قالب مباحث مستحدثه‌ای چون هوش مصنوعی، متاورس، کلان داده و ... و متعاقباً موضوعات مترتب بر آنها همچون شکل‌گیری

---

۱ Real Business Cycle

۲ New Keynesian

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

موجودیت‌ها، هویت‌ها و مسئولیت‌های جدید، مالکیت داده، ضمان حاصل از افشاء، نابودی یا سوء استفاده از اطلاعات، حفظ حریم خصوصی و حقوق مالکانه و ... موضوعاتی هستند که پیچدگی را کار دو چندان نموده اند. چرا که می‌بایست در حوزه فقه الاقتصاد به آنها پرداخته شود.

رویکردهای موجود در چیستی اقتصاد اسلامی

در ارتباط با چیستی اقتصاد اسلامی دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است. در یکی از تقسیم‌بندی‌های ارایه شده که از جامعیت بیشتری برخوردار می‌باشد می‌توان دیدگاه‌های موجود در زمینه اقتصاد اسلامی (با تاکید بر ماهیت علمی آن) را در قالب سه گروه به شرح زیر طبقه‌بندی نمود (سبحانی و بشارتی، ۱۳۹۷).

گروه اول: اقتصاد اسلامی به مثابه احکام اقتصادی اسلام

این گروه اعتقاد دارند که اسلام مستقیماً یک سلسله مقررات اقتصادی درباره مالکیت، مبادلات، مالیات‌ها، ارث، هبات و صدقات وقف، مجازات‌های مالی یا مجازات‌هایی در زمینه ثروت و غیره دارد. در این راستا کتاب‌های متعددی از فقه تحت عنوان کتاب غصب، کتاب دیون، کتاب مزارعه، کتاب مساقات، کتاب متاجر، کتاب زکات و خمس و انفال و مانند آنها نگاشته شده و ابعاد حقوقی این مسایل در آنها مورد بحث قرار گرفته است. لذا هنگامی که از اقتصاد اسلامی صحبت می‌شود مجموعه ای از احکام و ضوابط اسلامی در امور مبتلی به جامعه مد نظر می‌باشد.

گروه دوم: اقتصاد اسلامی به مثابه نظام

این گروه اعتقاد به نظام بودن اقتصاد اسلامی دارند. ایشان اعتقاد دارند نظام‌های اقتصادی بعد از آنکه اجزا و عناصر خویش را در زندگی عملی انسان‌ها ظاهر ساختند در واقع تبدیل به پدیده‌هایی تجزیه‌پذیر، تکرارپذیر و واجد نظمی تعمیم‌یافته در رفتارها و سازوکارهای اقتصادی می‌گردند. ایشان معتقدند نظام اقتصاد اسلامی نیز در چارچوب اعتقادات خود چنین کارکردی دارد. مشاهده می‌گردد که این گروه موجودیتی به مراتب وسیع‌تر با دامنه شمول و تغییرپذیری بیشتر برای اقتصاد اسلامی قایل هستند.

گروه سوم: اقتصاد اسلامی به مثابه علم

نهایتاً گروهی اعتقاد دارند اقتصاد اسلامی همچون علم اقتصاد مدرن می‌تواند یک علم باشد. غالب افراد این گروه به پیوند دین با علم اعتقاد دارند. بدیهی است در این رویکرد کلیه دیدگاه‌های مربوط به ماهیت علمی پدیده ها، ابطال‌پذیری گزاره‌های علمی و ... قابل طرح می‌باشند که در این راستا اختلاف نظرهایی نیز وجود دارد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

همانگونه که ملاحظه می‌شود در ارتباط با ماهیت علمی اقتصاد اسلامی دیدگاه‌های متنوعی وجود دارد. در یک سوی طیف عده ای قایل به طرح آن در قالب یک علم می‌باشند و در سویی دیگر عده‌ای اقتصاد اسلامی را تنها به مثابه مجموعه‌ای از احکام (کاربردی) می‌دانند. بدیهی است در این رابطه دیدگاه‌ها و برداشت‌های مختلفی مطرح شده است[۱].

تحلیل و ارزیابی وضعیت اقتصاد اسلامی در ایران

در بخش‌های پیشین به ماهیت و چیستی اقتصاد اسلامی پرداخته شد. در این بخش درنظر است با توجه به مطالب فوق الذکر ارزیابی آسیب‌شناسانه‌ای از وضعیت اقتصاد اسلامی در ایران طی دهه‌های اخیر صورت گیرد. جهت انجام این ارزیابی وضعیت اقتصاد اسلامی در کشور از دو بعد متعارف عرضه و تقاضای اقتصاد اسلامی، متشکل از چهار رکن اصلی(به شرح نمودار ۱) مورد بررسی قرار می‌گیرد که عبارتند از: طرف عرضه شامل دو رکن "دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه، مراکز تحقیقاتی و ..." و " نهادهای قانون و مقررات‌گذاری و رگولاتوری" و طرف تقاضا شامل دو رکن "بخش واقعی اقتصاد (کسب وکارها، بانک‌ها، بازار سرمایه، صادرات و واردات و ...)" و "نهادهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری". این چها رکن مؤلفه‌های اصلی برقراری اقتصاد اسلامی در یک کشور می‌باشند. بگونه‌ای که نه تنها هر کدام یکی از ارکان تحقق اقتصاد اسلامی را در یک جامعه تشکیل می‌دهند. بلکه ارتباط متقابلی با یکدیگر داشته و در صورت مدیریت صحیح می‌توانند موجب هم افزایی یکدیگر شوند.

۱ . برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: نظری (۱۴۰۰)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

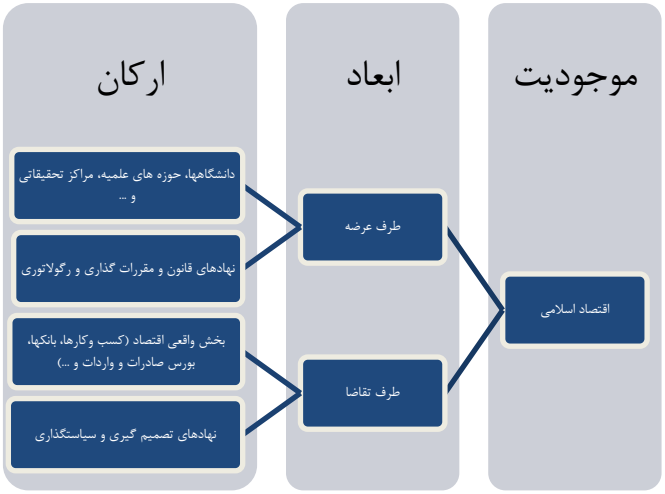

نمودار ۱. مولفه‌های اصلی برقراری اقتصاد اسلامی در یک جامعه

منبع: یافته‌های محقق

مشاهده می‌شود برای طرف عرضه اقتصاد اسلامی توان دو رکن اساسی تصور نمود در یک سو عرضه محتوا و بنیان‌های فکری و دانشی اقتصاد اسلامی مطرح می‌شوند که این وظیفه بر عهده نهادهای علمی و تحقیقاتی موجود در جامعه همچون دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه، مراکز تحقیقاتی تخصصی و.... است. در سوی دیگر عرضه ضوابط، مقررات، چارچوب‌ها و ابعاد نظارتی و ارزیابی مطرح می‌باشد که این مهم نیز بر عهده نهادهای قانون و مقررات‌گذاری و رگولاتوری در جامعه می‌باشد. در این خصوص می‌توان به نهادهایی چون مجلس شورای اسلامی، شورای پول و اعتبار، شورای رقابت و ... نیز اشاره نمود.

در طرف تقاضا نیز می‌توان دو رکن اساسی را برشمرد که عبارتند از بخش واقعی اقتصاد شامل کسب وکارها (بازار کالاها و خدمات)، بانک‌ها، بازار سرمایه، صادرات و واردات و ... . در این رکن عمدتاً بخش عملیاتی اقتصاد که منشاء خلق ارزش افزوده و تولید ملی، ایجاد اشتغال و تعاملات بین‌المللی هستند قرار دارند. در دیگر سوی (رکن دیگر) نهادهای تصمیم گیری و سیاست‌گذاری بعنوان کاربران و متقاضیان دانش کاربردی، ضوابط و مقررات و ... اقتصاد اسلامی که در طرف عرضه تولید می شوند، قرار دارند.

بدون شک این چهار رکن (در قالب طرف عرضه و تقاضای اقتصاد اسلامی) ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و کارکرد صحیح هریک از آنها در تعامل با یکدیگر می‌تواند به هم‌افزایی عملکردی هر

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

یک آنها منجر شود. چرا که مثلاً هرچه نظام تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کشور متقاضی محصولات حوزه اقتصاد اسلامی باشد. طرف عرضه را ترغیب می‌نماید تا به ارائه محتوای علمی و مستندات قانونی و عملیاتی (کاربردی) کارا و کاربردی‌تر اقدام نماید. بدیهی است بسته به مورد و اعمال حمایت‌های لازم در سطح حاکمیت، می‌توان در هر یک از این ارکان به تحریک تقاضا یا عرضه اقدام نمود.

نیم نگاهی به عملکرد ارکان چهارگانه فوق طی سال‌های پس از انقلاب، حکایت از عملکرد نسبتاً مناسب‌تر ارکان طرف عرضه دارد. بدین معنا که آنچه از حیث تولید محتوا و تربیت دانشجویان و طلاب در دانشگاه‌ها، حوزه های علمیه و مراکز تحقیقاتی صورت گرفته و همزمان و تا حدودی آنچه در نهادهای قانون و مقررات‌گذاری و رگولاتوری در کشور انجام شده نسبت به آنچه در بخش (کاربردی) تقاضای اقتصاد اسلامی در جریان بوده در وضعیت بهتری قرار داشته است. بعنوان مثال می‌توان به ایجاد و برگزاری رشته‌های تخصصی در حوزه اقتصاد اسلامی، طراحی و برگزاری گرایش تخصصی اقتصاد و بانکداری اسلامی، تعریف و انجام حجم قابل توجهی از پایان‌نامه‌ها و رساله های دانشجویی، نگارش کتب و مقالات متعدد، برگزاری همایش‌ها و نشست‌های تخصصی مختلف در بخش علمی و فکری طرف عرضه[۲و۱] و همزمان بصورت نمونه می‌توان به اقدامات انجام شده و اسناد بالادستی تدوین شده در زمینه انتشار اوراق بهادار اسلامی در حوزه مقررات‌گذاری و رگولاتوری طرف عرضه اشاره نمود[۳]. این در حالی است که وقتی به طرف تقاضای

---

۱ با توجه به واقعیت‌های حاکم بر نظام آموزش عالی کشور همچون منطبق نبودن آموزش‌های دانشگاهی با نیازهای جامعه و ...، بنظر می‌رسد نمی‌توان خروجی‌های نظام آموزش و پژوهش کشور در حوزه اقتصاد اسلامی را (بعنوان بخشی از نظام علمی کشور و در مقایسه با دستاوردهای سایر حوزه‌های دانشگاهی) از نظر علمی ناموفق ارزیابی نمود (مزینی، ۱۳۹۶).

۲ بعنوان مثالی از تجربه موفق دانشگاهی می‌توان به عملکرد (پژوهشکده اقتصاد) دانشگاه تربیت مدرس طی حدوداً سه دهه اخیر اشاره نمود. اقداماتی چون: برگزاری ..... همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی بصورت ملی و بین‌المللی، برگزاری .... نشست متخصصان اقتصاد اسلامی با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی در کشور، انتشار ... جلد کتاب با موضوع اقتصاد اسلامی، تشکیل گروه پژوهشی اقتصاد اسلامی، تأسیس انجمن علمی اقتصاد اسلامی (با همکاری برخی نهادها و شخصیت‌های علمی) و انتشار نشریه تخصصی اقتصاد اسلامی توسط این انجمن، اجرای طرح‌های تحقیقاتی متعدد در زمینه اقتصاد اسلامی، انتشار گزارش اقتصاد اسلامی ایران در سال ۱۳۹۵ و ... . لازم بذکر است در این راستا اقدامات متعدد دیگری نیز توسط نهادهای علمی و پژوهشی کشور انجام گردیده است.

۳ نمی‌بایست از نظر دور داشت که در این راستا امکان بهره‌گیری از مطالعات و پژوهش‌های انجام شده، متون تولید شده و نیز تجربیات اجرایی و عملیاتی در عرصه بین‌المللی می‌توانند غنای (نسبی) طرف عرضه اقتصاد اسلامی را تقویت نمایند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

اقتصاد اسلامی چه در بخش واقعی اقتصاد و چه در نهادهای تصمیم گیری و سیاست‌گذاری نگاه می‌شود بصورت نسبی اثر کمتری از اقتصاد اسلامی دیده می‌شود[۱]. در این رابطه و بصورت خاص می‌توان موضوع مولدسازی دارایی‌های دولت بعنوان یکی از مسایل روز اقتصاد کشور اشاره نمود که با توجه به گستره دامنه موضوعی و مصداقی آن می توان یکی از بسترهای کاربردی اقتصاد اسلامی باشد. حال آنکه عملکرد خاصی در این رابطه مشاهده نمی‌شود.

مطالعه موردی مولدسازی دارایی‌های دولت

مدیریت دارایی‌های عمومی یکی از وظایف اصلی دولت‌ها و نهادهای حاکمیتی ذیربط در عرصه بین‌المللی است. این فرایند در کشورهای مختلف به اشکال متفاوتی در جریان می‌باشد. در برخی از کشورها نهادهای مستقلی بدین منظور در بخشی از نظام اجرایی آنها تدارک دیده شده‌اند که به این امر اشتغال دارند و در برخی دیگر این موضوع توسط مجموعه‌ای از نهادها مدیریت می‌گردد. اما بدون شک اهمیت بحث مدیریت دارایی‌ها و اجرای کارای آن با هدف حفظ و صیانت از دارایی‌های عمومی از یک سو و کسب درآمد و تأمین بخشی از نیازهای بودجه‌ای دولت از سوی دیگر در اکثر کشورها مورد وفاق می‌باشد. این موضوع در ایران به دلایل مختلفی چون: ساختار شدیداً دولتی حاکم بر اقتصاد، وجود و وفور درآمدهای نفتی، ساختار اقتصاد سیاسی حاکم بر کشور و ...، طی دهه‌های اخیر مورد توجه قرار نگرفته است. بدین دلیل طی سال‌های اخیر و از نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ (با توجه به مغفول ماندن بحث مدیریت دارایی‌های عمومی و حجم قابل توجه آنها در کشور) بحثی تحت عنوان مولدسازی دارایی‌های دولت در دستور کار قرار گرفته است.

در ترمینولوژی حقوق، اموال دولتی عبارت اند از هر نوع مال منقول و غیر منقول که در تصرف مالکانه دولت باشد. به استناد ماده ۱۲۲ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب سال ۱۳۶۶ با عنوان آیین‌نامه اموال دولتی، اموال دولت اموالی هستند که توسط وزارت‌خانه‌ها، مؤسسات و یا شرکت‌های دولتی خریداری می‌شوند یا به هر طریق قانونی دیگر به تملک دولت درآمده یا درمی‌آیند. در ماده ۱۱۳ قانون محاسبات عمومی تعریفی جامع‌تر آورده شده است. بر طبق این ماده، کلیه اموال و دارایی‌های منقول و غیرمنقولی که از محل اعتبارات طرح‌های عمرانی (سرمایه‌گذاری ثابت) برای اجرای طرح‌های مزبور خریداری و یا بر اثر اجرای این طرح‌ها ایجاد و یا تملک می‌شود اعم از این که دستگاه اجرایی طرح، وزارتخانه یا مؤسسه دولتی یا شرکت دولتی و یا مؤسسه و نهاد عمومی

۱. مراجعه شود به مطالعاتی چون: (عزتی، ۱۳۹۵)، (صفا و معصومی نیا، ۱۳۹۹)، (قلیچ، ۱۳۹۷)، (باقرزاده، ۱۳۸۲) و (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

غیردولتی باشد تا زمانی که اجرای طرح‌های مربوط خاتمه نیافته است، متعلق به دولت است و حفظ و حراست آنها با دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط می‌باشد. در این راستا دستورالعمل اجرایی نحوه و زمان شناسایی، برکناری دائمی و واگذاری دارایی‌های دولت در راستای اجرای ماده ۱۲۸ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب خرداد ماه ۱۳۹۵ ضمن طبقه‌بندی دارایی‌ها و اموال دولتی، دارایی را منابع تحت کنترلی تعریف کرده که دارای خدمات بالقوه و منافع اقتصادی باشند.

مقوله مولدسازی دارایی‌های دولت توسط برخی اسناد بالادستی حمایت می‌شود. این اسناد شامل قوانین بودجه، قانون پنجساله ششم توسعه، آیین‌نامه اموال دولتی و برخی قوانین کلی دیگر هستند. برخی از این اسناد بالادستی دامنه کارکردی به مراتب وسیع‌تر (و موردی‌تر) دارند. بگونه‌ای که می‌توانند بعنوان یکی از اسناد پشتیبان بحث مدیریت دارایی‌های عمومی بعنوان یک فرایند بلندمدت (اعم از بحث مولدسازی دارایی‌ها) بکار آیند که از آن جمله می‌توان به آیین‌نامه اموال دولتی و آیین‌نامه تضمین معاملات مشارکت عمومی ـ خصوصی و ... اشاره نمود. در کنار اسناد بالادستی (فوق‌الذکر) که بصورت مستقیم به مقوله مولدسازی دارایی‌های دولت دلالت دارند، نظر به دامنه وسیع دارایی‌های دولت، از نظر موضوعی و کارکردی، برخی دیگر از اسناد بالا دستی نیز هستند که بصورت غیر مستقیم می توانند به این موضوع مرتبط گردند و حسب مورد در شرایط خاص مورد استفاده و استناد قرار گیرند که بصورت نمونه می‌توان به قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت و آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۴ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و . . . اشاره نمود[۱]. ضمن اینکه آیین نامه اجرایی مولدسازی دارایی‌های دولت مصوب ۱۴۰۱/۱۰/۲۱ هیأت عالی مولدســـازی دارایی‌های دولت از جدیدترین اسناد بالادستی موجود در این حوزه به حساب می آید.

در این راستا بررسی‌ها حکایت از آن دارند که (در زمینه مولد سازی دارایی‌های دولت که از مسائل روز اقتصاد کشور می‌باشد) در کنار روش‌هایی چون اجاره بلندمدت، مشارکت عمومی-خصوصی[۲] صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک و .... ، گزینه تبدیل به اوراق بهادار کردن دارایی‌ها[۳] مبتنی بر اوراق صکوک، یکی از بهترین و عملیاتی‌ترین گزینه‌ها می‌باشد (مزینی، ۱۴۰۰) این درحالی است که (همانگونه که مطرح نیز شد) بسیاری از چارچوب‌ها و اسناد مورد نیاز در این رابطه

---

۱ این اسناد به نوعی نمونه‌ای از خروجی‌های طرف عرضه اقتصاد اسلامی در کشور (رکن نهادهای قانون و مقررات‌گذاری و رگولاتوری) به حساب می‌آیند.

۲ public –private partnership

۳ Asset securitization

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

همچون قانون بازار اوراق بهادار، آیین نامه اجرایی قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت و آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۴ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید که در حوزه اقتصاد اسلامی قابل طبقه‌بندی می‌باشند، مدت‌هاست که در کشور وجود دارند و به نوعی (در قالب طبقه‌بندی مطرح‌شده در این مقاله) طرف عرضه بحث محسوب می‌شوند. حال آنکه در طرف تقاضا تاکنون اقدام متناظری مشاهده نمی‌شود و انتظار می‌رود که از این پس موضوع با جدیت بیشتری دنبال شود.

تحلیل و ارزیابی

در ارزیابی آنچه طی چهار دهه اخیر در زمینه عملیاتی‌سازی اقتصاد اسلامی در ایران گذشته است، می‌توانیم به موارد زیر اشاره نمایم.

ابتدا اینکه واقعیت آن است که چهار دهه برای شکل‌گیری یک ساختار اقتصادی مطلوب مبتنی بر شریعت که سختی‌های خاص خود را دارد و آن هم در کشوری که با چالش‌های متعدی در داخل و عرصه بین‌المللی همراه بوده است، دوره زمانی زیادی نیست. وقتی این دوره را با طول عمر اقتصاد سرمایه‌داری (که هنوز هم با چالش‌هایی جدی چون بحران ۲۰۰۸ مواجه می‌شود) مقایسه نماییم، بنظر می‌رسد تحقق اقتصاد اسلامی در سطحی قابل قبول نیازمند دوره زمانی بیشتری می‌باشد. با این توضیح که نظام سرمایه‌داری نیز با حدود ۲/۵ قرن که از عمر آن می‌گذرد هنوز به شرایط مطلوب و پایدار خود نرسیده و هر از چندی با بحران‌های جدی مواجه می‌شود. ضمن اینکه هم اینک نیز این نظام (سرمایه‌داری) بعنوان جریان مسلط[۱] با انتقادات و نحله‌های انتقادی جدی همچون مکاتب اقتصاد نهادی، اقتصاد رفتاری، اقتصاد شناختی و ... بعنوان رویکردهای رقیب[۲] مواجه می‌باشد. لذا بنظر می‌رسد انتظار تحقق یک نظام اقتصادی اسلامی در ایران طی چهار دهه اخیر چندان منصفانه نمی‌باشد هرچند که عملکرد موجود (در قالب چهار رکن پیش گفته) نیز قابل دفاع نمی‌باشد بویژه در طرف تقاضای اقتصاد اسلامی.

نکته دوم اینکه بنظر می‌رسد بخشی از عدم تحقق انتظارات در خصوص عملیاتی‌سازی اقتصاد اسلامی (جدای از ضعف در عملکردها) ریشه در دیدگاه‌های آرمانی و تاحدودی غیرواقع‌بینانه ابتدای انقلاب و باور به حقیقتی تحت عنوان اقتصاد اسلامی دارد که با واقعیت‌های بالقوه و بالفعل (موجود) جامعه ایران بسیار فاصله داشته است. بدون شک ارائه یک آسیب‌شناسی (و نقد) منصفانه از میزان تحقق اقتصاد اسلامی مستلزم وجود توقعات و انتظارات منطقی و منصفانه می‌باشد. لذا شاید بتوان

---

۱ Mainstream

۲ Heterodox

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

اینگونه ادعا نمود که بخشی از ابهام موجود در خصوص قابلیت عملیاتی‌سازی اقتصاد اسلامی ریشه در توقعات غیرمنطقی از آن دارد. بگونه‌ای این موضوع طی دهه‌های اخیر بر رفتار اشخاص حقیقی و حقوقی ذیربط نیز سایه افکنده و بعضاً منجر به اظهار نظرهای غیر واقع‌بینانه شده است که هزینه‌های خاص خود را در پی داشته است. این شرایط را می‌توان مصداقی از تناقض هزینه هدر رفته[۱] دانست. بگونه‌ای که عدم تمایل به اعتراف به اشتباهات و سوء برداشت‌های اولیه باعث تداوم ادعاهای مبالغه‌آمیز، ادامه رویه نادرست گذشته و تحمیل هزینه‌های غیرمنطقی (علی‌رغم امکان اصلاح امور) شده است (مزینی، ۱۴۰۱). در این رابطه نکته دیگری که می‌بایست بعنوان بخشی از انتظارات غیر منطقی از نظام اقتصادی اسلامی ذکر شود. این باور بود که اقتصاد اسلامی برای کلیه شئونات اقتصادی یک کشور پاسخ‌های عملیاتی قابل اجرا دارد. حال آنکه الزاماً اینگونه نمی‌باشد و در امکان‌پذیری عملیاتی‌سازی حوزه‌های مختلف اقتصاد اسلامی، تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد. مثلا تجربه دهه‌های اخیر در ایران و جهان حکایت از آن دارد که قابلیت‌هایی که در نظام تامین مالی اسلامی وجود دارد در مقایسه با قابلیت‌های موجود در سایر بخش‌ها (همچون نظام مالیات‌های اسلامی در مقایسه با نظام مالیات‌های متعارف)، به مراتب بیشتر می‌باشد.

نکته دیگر اینکه جدای از چالش‌های موجود در طرف تقاضای اقتصاد اسلامی هنوز در بسیاری از اصول اولیه اقتصاد اسلامی همچون مفاهیم، چیستی، ماهیت و ... اختلاف نظرهای جدی وجود دارد. مثلا همانگونه که در بخش‌های پیشین مطرح گردید همزمان که عده ای اقتصاد اسلامی را صرفا به مثابه برخی احکام اسلامی در حوزه اقتصاد می‌دانند، برخی آن را به مثابه یک نظام می‌دانند و برخی به علم بودن و یا قابلیت تبدیل به علم شدن اقتصاد اسلامی اعتقاد دارند. بدیهی است این تفاوت در رویکردها در بعد فلسفی، روش‌شناسی و ماهیتی اقتصاد اسلامی بر نحوه و چگونگی شکل‌گیری آن در یک جامعه می‌تواند موثر باشد.

موضوع دیگر اختلاط میان حقیقت آرمان‌گرایانه با واقعیت موجود در جامعه در بسیاری از امور می‌باشد که بصورت نمونه می‌توان به تعریف ارایه شده از انسان اقتصادی مد نظر اسلام در کشور طی دهه‌های اخیر اشاره نمود. واقعیت آن است که میان آنچه در متون، باورها و سیاست‌ها از انسان اقتصادی مدنظر اسلام در نظر گرفته می‌شود با آنچه در جامعه در جریان بوده و در بستر زمان دچار تغییراتی شده است، تفاوت بسیاری وجود داشته و دارد. به تعبیر دیگر بخشی از چالش عملیاتی‌سازی اقتصاد اسلامی در کشور بدلیل عدم توجه و باور به این واقعیت بوده است که واقعیت‌های جامعه با آنچه در ارزش‌های مکتب اقتصادی اسلام وجود دارد متفاوت است. ضمن اینکه اساسا جامعه موجودیتی سیال، متغیر و با نوعی نظم خودجوش دارد که نتیجه کنش

---

۱ Sunk Cost Fallacy

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

انسانهاست و نه الزاما نتیجه طراحی انسان‌ها. این واقعیت باعث گردیده و می‌گردد که بسیاری از گزاره‌های قطعی الصدور[۱] در حوزه‌های کاربردی اقتصاد اسلامی که منبعث از مباحث نقلی هستند عملا در محیط اقتصاد ملی از منظر کاربردی قابل طرح نباشند. بنظر می‌رسد بخشی از این موضوع ریشه در تفوق مباحث ایدئولوژیک نسبت به مباحث کاربردی و تجربی در حوزه دانش اقتصاد اسلامی داشته و دارد.

نکته آخری که می‌تواند به عنوان نتیجه مباحث مطرح شده نیز طرح گردد اینکه مقوله اقتصاد اسلامی هنوز در گام‌های اولیه شکل‌گیری خود است و توفیق آن در آینده در گروه درس گرفتن از تجربه (نه چندان موفق) پیشین، تمرکز بر اقدامات هدفمند، پرهیز از شعار و کلی گوئی، اجتناب از مخلوط نمودن مباحث اعتقادی و آرمان‌های ذهنی با واقعیت‌های علمی و عملیاتی و... می‌باشد. بنظر می‌رسد برخی تجربیات قابل قبول در کشور همچون عملیاتی نمودن اوراق بهادار اسلامی (صکوک) طی دهه اخیر می‌تواند نوید بخش توفیقات آتی در این حوزه در سطح وسیع‌تری باشد. ضمن اینکه در این خصوص (انتشار صکوک) در عرصه بین‌المللی تجربیات به مراتب موفق‌تری نسبت به ایران وجود دارد که می‌توان از این تجربیات استفاده نمود که بصورت خاص در بحث مولدسازی دارایی‌های دولت مورد اشاره قرار گرفت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پیشینه اقتصاد اسلامی را از نظر تاریخی می‌بایست به صدر اسلام نسبت داد. اما آنچه از اقتصاد اسلامی به عنوان بخشی از علوم انسانی هم اینک در اذهان می‌باشد عمدتا معطوف به رویکردها و انتظارات ایجاد شده پس از وقوع انقلاب اسلامی در کشور است. احساسات انقلابی ابتدای انقلاب در کنار باورهای مذهبی مردم و مسئولین و برداشت‌های (بعضا) غیر واقع بینانه از قابلیت‌های عملیاتی اقتصاد اسلامی و وعده‌های مطرح شده توسط مسئولین در ابتدای پیروزی انقلاب باعث گردید که سطح انتظارات از اقتصاد اسلامی در دستیابی به جامعه‌ای مبتنی بر ارزش‌های الهی و بدور از آفات اقتصادی بسیار بالا رود. اما ناکارائی موجود در عملکردها، واقعیت‌ها و محدودیت‌های موجود در جامعه، وجود چالش‌های مقطعی چون بروز جنگ تحمیلی و چالش‌های بین‌المللی و تبعات بلند مدت آنها، نبود تقاضای موثر در نظام اجرایی و تصمیم‌گیری و ... باعث گردیدند که فاصله میان انتظارات (بعنوان یک حقیقت انتزاعی) با واقعیت‌های موجود در جامعه افزایش یابد. بگونه‌ای که این موضوع بر ارزیابی‌های صورت گرفته از میزان توفیق اقتصاد اسلامی تاثیرگذار باشد. در آسیب‌شناسی صورت گرفته در این خصوص در مطالعه حاضر مشاهده گردید که همزمان با

---

[۱] Predetermined

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

ناکارآمدی‌ها و چالش‌های موجود در طرف عرضه و تقاضای اقتصاد اسلامی و همزمان با پاره‌ای اختلاف نظرها در خصوص ماهیت، چیستی و مفهوم اقتصاد اسلامی، بنظر می‌رسد (علی رغم ناکارائی‌های موجود) قضاوت در خصوص نهادینه شدن کامل اقتصاد اسلامی نیازمند زمانی بیش از چهار دهه گذشته می‌باشد. ضمن اینکه همزمان مقتضی است با توجه به تجربه گذشته و نیز توفیقات حاصل شده در کشور و جامعه جهانی و نیز منطقی سازی انتظارات موجود از قابلیت‌های اجرایی اقتصاد اسلامی، تلاش نمود تا از قابلیت‌های عملیاتی این بستر هرچه بیشتر استفاده گردد. بنظر می رسد جهت باز تعریف فرایند سازی اقتصاد اسلامی توجه به موارد زیر ضروری است.

- پذیرش این واقعیت که آنچه در اقتصاد ایران در جریان می‌باشد اقتصاد اسلامی نیست و اینکه اساسا باز تعریف و تغییر بسیاری از مسیرهای پیموده شده (با هدف پرهیز از چالش هزینه‌های هدر رفته[۱]) خدشه‌ای به اصل اقتصاد اسلامی وارد نمی‌نماید.
- باور به اینکه اقتصاد اسلامی بعنوان یک مجموعه بسیط بصورت کامل و یکجا قابل عملیاتی‌سازی نیست. بلکه فرایندی تدریجی است. توضیح آنکه برخی از حوزه‌ها در اقتصاد اسلامی همچون مالیه اسلامی قابلیت عملیاتی‌سازی بیشتر و جایگزینی با ابزارهای متعارف مالی را دارند در مقایسه با سایر حوزه‌ها (همچون عوارض و مالیاتهای اسلامی و جایگزینی آنها با نظام مالیاتی متعارف).
- اینکه اساسا قضاوت در زمینه ارزیابی اقدامات و نهادینه شدن اقتصاد اسلامی قضاوتی مبتنی بر صفر و یک نمی‌بایست باشد.
- ضرورت باور و توجه به نهادهای موجود در جامعه و کارکردها و تحولات آنها در بستر زمان (در چارچوب اصول اقتصاد: نهادی، رفتاری، شناختی، تطوری و ...) و تاثیرات آنها بر عملیاتی‌سازی اقتصاد اسلامی در جامعه.
- التزام حاکمیت به پیش نیازهای تحقق اقتصاد اسلامی همچون انضباط پولی و مالی دولت با هدف جلوگیری از تورم مزمن در اقتصاد کشور و تبعات آن بر عملیاتی‌سازی عقود بانکی و نیز مواردی چون توزیع بهینه درآمد، شفافیت اقتصادی، نبود رانت و فساد، کاهش سهم دولت در اقتصاد و ... .

---

۱. Sunk Cost Fallacy

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

منابع

۱. انس‌الزرقا، محمد، (۱۳۸۳) اسلامی کردن علم اقتصاد: مفهوم و روش، ترجمه: منصور زراء-نژاد، اقتصاد اسلامی، سال چهارم ، شماره ۱۵.

۲. باقرزاده، محمد رضا. (۱۳۸۲). آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی. معرفت. شماره ۶۸ .۱۰۵-۹۶.

۳. بختیاری صادق. (۱۳۷۹). اقتصاد اثباتی، اقتصاد هنجاری و اقتصاد اسلامی. نامه مفید. دوره ۶ شماره ۳. ۱۰۸-۹۹.

۴. توتونچیان، ایرج. (۱۳۹۹). اقتصاد اسلامی، توهم یا واقعی؟ پژوهشکده پولی و بانکی، پورتال بانکداری اسلامی، www.mbri.ac.ir (۱۳۹۹/۷/۱۳).

۵. توکلی، محمد جواد. (۱۳۹۹).حقیقتی به نام اقتصاد اسلامی. پژوهشکده پولی و بانکی، پورتال بانکداری اسلامی، www.mbri.ac.ir (۱۳۹۹/۷/۱۲).

۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۸). کتاب مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران، انتشارات گنج دانش.

۱۷ رضایی، جعفر. علی حسینی، علی. امام جمعه زاده، سیدجواد. آقاحسینی، علیرضا. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی الگوی عدالت در دولت‌های جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر اندیشه مطهری و امام خمینی. پژوهش های انقلاب اسلامی. دوره ۷ شماره ۴. ۹۵-۶۷.

۸. سبحانی، حسن و بشارتی، بشری (۱۳۹۷)، تاملی در چییست اقتصاد اسلامی و نسبت آن با تئوریهای اقتصادی، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره بیست و دوم، صص ۲۰۸ - ۱۸۱ .

۹. صفا، احمد رضا و معصومی نیا، غلامعلی. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی مهندسی مالی اسلامی رایج در راستای طراحی نظام مالی اسلامی، دوفصلنامه جستارهای اقتصادی ایران با رویکرد اقتصاد اسلامی. دوره ۱۷، شماره ۳۳، ۲۷۰-۲۴۳.

۱۰. عرب مازار عباس. (۱۳۸۵). دانش اقتصاد اسلامی از امکان تا واقعیت. اقتصاد اسلامی. ۶ (۲۳). صص ۹-۵.

۱۱. عزتی، مرتضی. (۱۳۹۵). گزارش اقتصاد اسلامی ایران. پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.

۱۲. قلیچ، وهاب. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران براساس قواعد بانکداری اسلامی، اقتصاد و بانکداری اسلامی. دوره ۷، شماره ۲۵. ۳۰-۷.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

۱۳. مزینی، امیرحسین (۱۳۹۶)، آسیب‌شناسی جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی کشور به بازار کار (با تاکید بر نقش پارک‌های علم و فناوری)، فصلنامه آموزش عالی ایران،- سال نهم- شماره دوم.
۱۴. مزینی، امیرحسین (۱۴۰۰)، تبیین و استانداردسازی مفاهیم و تعاریف در زمینه مولدسازی دارایی‌های دولت در ایران، منضم به بررسی تجارب جهانی (طرح تحقیقاتی)، سازمان خصوصی سازی ایران.
۱۵. مزینی، امیرحسین (۱۴۰۱)، عملکرد اقتصاد اسلامی در ایران: انتظارات، قابلیتها و رفتارها، دوازدهمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
۱۶. مزینی، امیرحسین. (۱۳۹۴). ارزیابی اقتصادی طرحها (اقتصاد مهندسی). انتشارات سمت.
۱۷. مصباحی مقدم، غلامرضا و همکاران. (۱۳۷۹). اقتصاد اسلامی، پیشینه تاریخی و چشم انداز آینده. فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع). شماره ۱۲-۱۱ . صص ۲۲۷-۲۰۵.
۱۸. نظری، حسن آقا. اصول و مبانی اقتصاد اسلامی.(۱۴۰۰). انتشارات سمت با همکاری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۹. قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۸۴.
۲۰. دستورالعمل اجرایی نحوه و زمان شناسایی، برکناری دائمی و واگذاری دارایی‌های دولت. ۱۳۹۵.
۲۱. آیین نامه اجرایی مولدسازی داراییهای دولت. ۱۴۰۱.
۲۲. دستورالعمل انتشار اوراق اجاره. ۱۳۸۹.
۲۳. دستورالعمل توثیق اوراق بهادار. ۱۳۸۹.
۲۴. آیین‌نامه اموال دولتی. ۱۳۷۲.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]